

## اسطوره آفرینش در آیین ایزدی

سامان رحمان‌زاده<sup>۱</sup>

دکتر فاطمه مدرسی<sup>۲</sup>

### چکیده

اسطوره روایتی قدسی از خلقتی آغازین است که با آیین، مراسمات و ادبیات جامعه پیوستگی دارد. اساطیر ریشه و بن، ادامه‌دهنده و مکمل اسطوره آفرینش‌اند. آیین ایزدی، آیینی محلی در منطقه‌ای کوچک از کردستان عراق است که دارای دو کتاب مقدس و مجموعه‌ای سروده‌های دینی شفاهی است. این سروده‌ها در مراسم‌هایی مانند تولد، مرگ، اعیاد و هر مراسمی که در آن زایشی نو اتفاق می‌افتد، خوانده می‌شوند. این پژوهش به بررسی عناصر اسطوره‌ای رایج در سروده‌ها و اقوالی می‌پردازد که با اسطوره آفرینش آغازین در ارتباط است. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی است. این سروده‌ها مستقیماً از نسخه‌ای گرفته شده‌اند که خلیل جندی ره‌شو به زبان کردی تدوین کرده است. عناصر اسطوره‌ای اصلی در این قول‌ها عبارتند از: در (مرورید)، بحر، خرّقه، مرکب، گاو و ماهی. با دقت در عناصر اسطوره‌ای در متون مقدس و سروده‌های دینی ایزدیان که درباره آفرینش ثبت شده است، مشخص می‌گردد که عناصر «در»، «بحر» و «ماهی» به مبحث زمین، زنانگی و زاینده‌گی اشاره دارند. «خرّقه» با توجه محتوای متون، نشان‌دهنده تأثیر عناصر صوفیه و عرفان اسلامی است. «مرکب» نیز از آن خدای آسمان است. عنصر مقدس «گاو»، نمادی از خدایان آسمان و کشتن آن در عید اصلی ایزدیان، با ازدواج مقدس و اسطوره آفرینش آغازین در ارتباط است.

کلیدواژه‌ها: آیین ایزدی، اقوال ایزدی، اسطوره آفرینش، اساطیر ریشه و بن.

### ۱- مقدمه

خاورمیانه مهد ادیان و مذاهب مختلفی بوده است که در طول تاریخ، منشأ تغییرات و تحولات بسیاری در جهان شده‌اند. حوزه فرهنگی کردستان در قسمت مرکزی خاورمیانه دارای بیشترین تنوع

saman207@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

fatemeh.modarresi@yahoo.com

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه

در ادیان و مذاهب بوده است. مردم کرد از یک سو از لحاظ نژادی و زبانی با آریایی‌ها مشترکاتی داشته‌اند و از سوی دیگر، به علت نزدیکی جغرافیایی با مراکز مهم ادیان سامی، تحت تأثیر ادیان بسیاری قرار گرفته‌اند. ادیانی مانند ایزدی، یارسان (اهل حق)، علوی و مذاهب عرفان و تصوف اسلامی مانند نقشبندی و قادری در این سرزمین، تأثیر چشمگیری بر زندگی مردم دارند.

آیین ایزدی آیینی کوچک با پیروانی به نسبت کم‌تعداد در کردستان عراق است. این آیین بیشتر از آن که تأثیرگذار باشد، از دیگر ادیان تأثیر پذیرفته است. در آیین ایزدی می‌توان مناسبات مشترکی با دیگر ادیان مانند میتراپی، زردشتی، مانوی، اسلام، مسیحیت، یهودیت و ادیان هندی یافت. با این حال، این فرقه استقلال دینی خود را حفظ کرده است.

#### ۱-۱- بیان مسئله

ایزدیان دارای دو کتاب مقدس و ادبیات شفاهی غنی‌ای هستند که توجه محققان و مستشرقان را به خود جلب نموده‌اند. یکی از بخش‌های مهم این ادبیات، قول‌هایی است که قولان، یکی از طبقات دینی-اجتماعی، در جشن‌ها و گردهمایی‌های خویش می‌خوانند. این پژوهش بر آن است تا عناصر اسطوره‌ای را در قول‌هایی که درباره آفرینش است، بررسی کند و به کمک این عناصر، ساختار اسطوره آفرینش در آیین ایزدی را توضیح دهد.

#### ۲-۱- پیشینه و ضرورت تحقیق

از قرن نوزدهم به بعد و پس از آثار سر هنری لایارد<sup>۱</sup> تحت عنوان «نینوا و بقایای آن» (۱۸۴۹) و «نینوا و بابل» (۱۸۵۳) و نیز «نسطوریان و مناسک دینی آن‌ها» (۱۸۵۲) اثر جی. پی. بادگر<sup>۲</sup>، توجه پژوهشگران به این آیین جلب شد. پی. انستانس<sup>۳</sup> با مقاله «ایزدیان» (۱۸۹۹)؛ پروفیسور ای. وی. جکسون<sup>۴</sup> در کتاب/ایران، گذشته و حال (۱۹۰۶) مطالبی درباره آیین ایزدی آورد. پدر انستاس کرملی<sup>۵</sup> در سال ۱۹۱۱، ضمن انتشار کتب مقدس این آیین، به معرفی باورهای آن‌ها پرداخت (کرمه‌لی، ۲۰۰۶). در کتاب *Devil Worship*، ضمن ترجمه متون کتب مقدس ایزدیان به انگلیسی، مطالبی

1. Sir Henry Layard
2. G. P. Badger
3. P. Anastase
4. Professor A. V. Williams Jackson
5. Anastas Al-Karmali

درباره نسخه‌شناسی این آثار و نیز شرح باورها، سنن و اساطیر ایزدی گردآوری شده است (Joseph, 1919). امپسون به معرفی تاریخ، قبایل ایزدی، آداب و رسوم، باورها، دستورات دینی، شخصیت‌های دینی و... در این آیین پرداخته است (Empson, 1928). دراور (Drower, 1941) با معرفی جغرافیای این فرقه در بعشیه، آداب و رسوم آن‌ها مانند ازدواج، تولد، آداب روزه و... و نیز باورهایی مانند توفان، افسانه‌ها، شخصیت‌های مقدسی مانند شیخ عدی و شیخ ابوبکر، و معابد مقدس را شرح داده است. گست (Guest, 1993) با معرفی شخصیت شیخ عدی و دستورات دینی‌اش، به بررسی تاریخ این فرقه پرداخته و مطالبی مانند روایت توفان، باورهای دینی ایزدیان و نیز نظر برخی از شخصیت‌های دینی، سیاسی، سیاحان و مستشرقان را ذکر کرده است. پروفیسور فیلیپ جی. کرینبروک در سال‌های اخیر بیشترین تحقیقات را درباره این آیین انجام داده است. وی در کتاب *Yezidism- Its Background, Observances and Textual Tradition* در بخش نخست، به ثبت مشاهدات میدانی از آیین ایزدی، تاریخ آغازین آن‌ها، پس‌زمینه‌های دینی، پرستش موجودات مقدس و معابدشان، نظام اجتماعی و برخی از سنن و باورهای دینی پرداخته است. در بخش دوم، چند قول از سروده‌های دینی ایزدیان را با ترجمه انگلیسی آن‌ها آورده است (Kreyenbroek, 1995). کتاب دیگر کرینبروک که با همکاری خلیل جندی ره‌شو نوشته شده، تحت عنوان *God and Sheikh Adi are Perfect. Sacred Poems and Religious Narratives from the Yezidi Tradition* منتشر گردید. این کتاب نیز دو بخش دارد: در بخش نخست، به بررسی جنبه‌هایی از جامعه و فرهنگ ایزدیان، سنت‌های دینی (شخصیت‌ها و مضامین)، ساختارها، عملکردها و شکل‌های سنت مکتوب ایزدی پرداخته است. در بخش دوم، گلچینی از مهم‌ترین سروده‌های دینی ایزدیان را بر اساس موضوع و محتوا در چند فصل به همراه ترجمه انگلیسی آن‌ها چاپ کرده است (Kreyenbroek, 2005). او در جدیدترین کتابش با نام *Yezidism in Europe*، حاصل دو کتاب پیشین و مجموعه مقالات خود را درباره آیین ایزدی تدوین نموده است. به نظر می‌رسد این اثر تا این لحظه کامل‌ترین شناخت را از باورها، سنت‌های دینی، ساختار اجتماعی و... آیین ایزدی به دست می‌دهد (Kreyenbroek, 2009).

محققان اسلامی از دیرباز به این موضوع توجه نشان داده‌اند. «اصل الیزیدیه و تاریخهم» (العزای، ۱۳۱۰ ق.)، «کتاب المقدسه الیزیدیه» (الحسنی، ۱۳۲۶ ق.)، «الیزیدیه و بحث فی منشأ معتقدهم»

(تیمور، ۱۳۳۴ ق.)، تاریخ الیزیدیه (دملوجی، ۱۹۴۹ م.)، یزیدی‌ها و شیطان پرست‌ها (غضبان، ۱۳۴۱)، یزیدیان یا شیطان پرستان (التونجی، ۱۳۸۰) از مهم‌ترین این آثار است.

از میان محققان ایرانی نیز هر چند در آثاری مانند *از اسطوره تا تاریخ* (بهار، ۱۳۹۰) به این آیین اشاره شده، اما آثار مهرپرستی در دین ایزدی و پرستش شیدان نه شیطان (شهمردان، بی تا) قدیمی‌ترین اثر مستقل درباره این آیین است. *درآمدی بر اهریمن شناسی ایرانی* (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹) و «تاریخ و حیات اجتماعی - فرهنگی کردهای ایزدی» (یوسفی، ۱۳۹۱) از دیگر کتب مرتبط با این آیین است. جامعه دانشگاهی بیشتر به این موضوع توجه نشان داده‌اند. دین ایزدی و مقایسه آن با دین زرتشتی کهن (کریمی، ۱۳۸۷)، «اهریمن پرستی زروانی و نمونه‌های بازمانده آن» (اکبری مفاخر، ۱۳۸۸)، «کردهای ایزدی (پژوهشی در وجه تسمیه و ریشه نژادی)» (یوسفی، ۱۳۸۸)، «بررسی تاریخ، عقاید و آیین‌های ایزدیان و مقایسه آن با ادیان و مذاهب دیگر» (محمدی سراب، ۱۳۸۸)، «مقایسه اقوال ایزدی‌ها با کلامات یارسان در پرتو برخی سروده‌های ایرانی غربی» (طیب‌زاده، ۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی دو آیین میتراپی و ایزدی» (دماوندی و رحمان‌زاده، ۱۳۹۳) از مهم‌ترین این آثار است.

در میان محققان کردزبان، مؤلف کتاب *بررسی مختصری از تاریخ ادیان کردان* به تطبیق آیین مهرپرستی و ایزدی پرداخته است (وهبی، ۱۳۶۱). در *په‌رن ژنه‌ده‌بی دینی ئیزدیان*، مجموعه سروده‌های دینی ایزدیان به همراه مقدمه‌ای مفصل گرد آمده است (ره‌شو، ۲۰۰۵). در *مینولوجیا د تیکستن ئولا ئیزدیان*، بن‌مایه‌های اسطوره‌ای در یکی از قول‌های دینی بررسی شده است (باعه‌دری، ۲۰۰۸). *ئیزدیانی د (۱۰۰) پرسان دا* نیز به شیوه توضیح المسائل، حاوی مباحثی در تبیین باورها، آداب و عبادات آیین ایزدی است (هورمی، ۲۰۰۸ م.).

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

زبان و ادبیات کردی، در زیرمجموعه زبان و فرهنگ ایرانی قرار می‌گیرد. تا کنون محققان درباره موضوع مورد نظر تحقیقی انجام نداده‌اند و این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز شناخت بهتر تشابهات و اشتراکات آیین ایزدی و ادیان و معتقدات ایران باستان باشد.

## ۲- بحث

خلیل جندی رهشو با اجازه روحانیون ارشد ایزدی، مجموعه‌ای از متون دینی ایزدیان را گردآوری نموده و آن را برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ در حکومت کردستان (ههریم)، تحت عنوان «پهرن ژ نه‌ده‌بئی دینی تیزدیان»<sup>۱</sup> چاپ نمود که در این پژوهش، به بررسی بعضی از اقوال و سرودهای دینی چاپ شده در این کتاب پرداخته شده است.

## ۲-۱- متون مقدّس و ادبیات دینی ایزدیان

ایزدیان دو کتاب مقدّس به نام‌های جلوه و مصحف رهش<sup>۲</sup> دارند. عدّه‌ای نوشتن کتاب جلوه را به شیخ عدی منسوب کرده‌اند و گمان می‌برند که مصحف رهش نیز صد سال پس از آن نوشته شده باشد (الحسنی، ۱۳۲۶: ۳۴۲). به باور برخی دیگر، شیخ حسن نویسنده هر دو کتاب است. عدّه‌ای نیز شیخ عدی را نویسنده هر دو کتاب می‌دانند. به نظر بعضی از افراد، کتاب جلوه را شیخ حسن و کتاب مصحف را شیخ عدی نوشته است (هورمی، ۲۰۰۸: ۳۲-۳۳).

غیر از این دو کتاب، ایزدیان ادبیات شفاهی بسیاری غنی‌ای دارند و آن را نیز دینی و مقدّس می‌شمارند. ادبیات شفاهی آن‌ها شامل باورها، سنن دینی و افسانه‌هاست. جندی رهشو ادبیات دینی ایزدیان را به هشت بخش تقسیم می‌کند: افسانه و داستان، دعا و تعویذ، قول و بیت، «مسحابت»<sup>۳</sup>، موسیقی دینی، قصیده، «خزیموک و پاریزوک»<sup>۴</sup>، غریبی.

در افسانه‌ها و داستان‌های دینی، باور مردم درباره خلقت و مسایل دیگر نشان داده می‌شود. دعا در ادب شفاهی ایزدیان جایگاه عظیمی دارد. هر قول و بیتی به موضوعی اختصاص دارد و در آن اعتقادی فلسفی، صوفیانه، تاریخی و یا کرامات اولیا بیان می‌شود. مسحابت درباره رازها و رموز دین ایزدی بحث می‌کند. موسیقی دینی مجموعه‌ای از آهنگ‌هایی است که در مراسم و جشن‌های دینی با دف و مزمار اجرا می‌شود. «خزیموک» و «پاریزوک» نیز درباره مسایلی مانند تناسخ و دیگر «رازهای گرامی» بحث می‌کند. قصیده نیز نوعی شعر است که به پیروی از ادبیات ملل دیگر، به ویژه عربی، در میان ایزدیان رواج پیدا کرده است. غریبی تقریباً به صورت کامل شبیه قول است با این تفاوت که در آن حتماً ذکر یکی از اولیاء الله خواهد آمد (جندی رهشو، ۲۰۰۴ م: ۷۶-۹۵).

## ۲-۲- عناصر اسطوره‌ای در اقوال مربوط به آفرینش

در قول‌های دینی ایزدیان، عناصری هستند که در بیشتر سرودهای دینی تکرار می‌شود. این عناصر را می‌توان در کتب مقدّس جلوه و مصحف رهش نیز مشاهده کرد. عناصری مانند درّ (مروارید)، بحر، خرّقه، مرکب، گاو و ماهی از جمله مهم‌ترین عناصر اسطوره‌ای قول‌های دینی ایزدیان است. این عناصر، بن‌مایه‌هایی اسطوره‌ای‌اند که در اقوال و سروده‌ها و ادبیات دینی ایزدیان تکرار می‌شوند. سروده‌ها و قول‌های این بخش، از کتاب جنّدی رهشو نقل گردیده است.

## ۲-۱-۱- درّ (مروارید)

بنا بر متن مصحف رهش، خداوند آفرینش را با خلق درّ آغاز می‌کند: «در آغاز، خداوند درّ سفیدی را از صور گرامی‌اش آفرید. همچنین پرنده‌ای به نام «انغر» خلق فرمود. درّ سفید را بر پشت پرنده قرار داد و چهل هزار سال بر روی آن ساکن شد. در روز اوّل، یکشنبه، خداوند ملک عزازیل را آفرید و او طاووس ملک است، رئیس همه آن‌ها» (Joseph, 1919: 36).

در ادامه، ملک فخرالدین کار آفرینش را چنین ادامه می‌دهد:

«آن‌گاه، وی بر درّ نعره‌ای زد که درّ سپید با این نعره چهار تکه شد و در میانش آب جاری شد و اقیانوسی پدید آمد. دنیا گرد بود و هنوز تقسیم نشده بود. سپس او جبرائیل را به شکل پرنده‌ای بیافرید و او را به چهار گوشه فرستاد. همچنین مرکبی ساخت و سی هزار سال در آن فرود آمد. بعد از این، در کوه لالش مستقر شد. سپس بر جهان نعره‌ای زد و دریا خشک شد و سرزمینی به وجود آمد، اما زمین شروع به لرزیدن کرد. در این زمان، او به جبرئیل امر نمود تا دو قطعه از آن درّ سپید را بیاورد؛ یکی را در زیر زمین و دیگری را در دروازه آسمان قرار داد. سپس از آن قطعات درّ، خورشید و ماه را خلق نمود و از قطعات پراکنده، ستارگان را که همانند زیتی برای آسمان‌اند» (ibid: 37).

مروارید در جوامع مختلف همواره به عنوان «زینت‌بخش و نشانه قدرت و حُسن» شناخته شده و نشانه ماه و آب و زنانگی و واجد خواصّ زاینده‌گی و زایایی است (دوبوکور، ۱۳۹۱: ۱۳۲ و ۱۳۳). به همین دلیل در قول‌های دینی، معمولاً دو عنصر درّ و بحر با هم می‌آیند. در متون دینی، به چگونگی

خلق درّ و پیدایش جهان از درّ اشاره شده و این که جهان از چیز محدودی مانند درّ به وجود آمده و به مرور گسترش یافته است.

در سبق‌های<sup>۵</sup> زیر، قوأل در لحظه به دنیا آمدن نوزاد، با خواندن این قول به آفرینش نخستین جهان اشاره می‌کند. در سبق نخست، به این باور اشاره می‌کند که نوزاد از همان «بحری» به وجود می‌آید که پیشتر، «درّ» «میر» در آن قرار گرفته است. در سبق دوم، سکونت «پادشاه» در درّ بیان شده است. این قول را می‌توان جزو اساطیر ریشه و بن محسوب کرد. «هر داستان اساطیری که از اصل چیزی حکایت می‌کند، تکوین کائنات را از پیش تصوّر کرده، و همان تصوّر قبلی را ادامه می‌دهد» (الیاده، ۱۳۸۶: ۳۱). از آنجا که خلقت جهان یا دنیا، کامل‌ترین نوع خلقت است، «آفرینش کیهان یا عالم، الگوی نمونه و سرمشقی برای هر نوع «خلقت» می‌گردد» (همان: ۳۱). این اساطیر در هنگام تولّد و مرگ خوانده می‌شوند.

|   |   |
|---|---|
| ل من جهما دبوون زهربابه                             | در اطراف من پدرخوانده‌هایم جمع می‌شوند  |
| دئ ز وئ بهحرئ دهیین تهبابه                          | از طرف آن دریا، دهها                    |
| بهحوره و دورا میورد ننافه<br>(ق. زهبوونی مهکسوور/۴) | بحری است و درّ میر در داخل آن جای دارد. |
| پهدشئی من ب دورئ بوو                                | پادشاه من داخل درّ بود                  |
| ب ههسناتهکئ ژئ چئی بوو                              | به زیبایی هر چه تمام‌تر آن را ساخته بود |
| ششاخا موحبهتئ ژئ بوو.<br>(ق. زهبوونی مهکسوور/۶)     | شاخه محبت را از آن به وجود آورده بود.   |

در سبق‌های زیر، این سؤال مطرح می‌شود که پادشاه از درّ به وجود آمده است یا درّ از پادشاه؟ و در پاسخ آمده است که درّ تختی است که پادشاه بر آن جلوس کرده است. در ادامه قول به بیان این نکته می‌پردازد که پادشاه درّ را از خود به وجود آورد و درّ مانند قندیلی نورانی است.

|  |  |
|--|--|
| عاشق و ماشوقیت موكسوری   | عاشق و معشوقی نترس                                   |
| من یارهک دهقیت قئ حهرفئ ب کورئ                                       | من یاری می‌خواهم که در این باره حرف بزند             |
| کا بیژنه من؛ دور ژ په‌دشایه، ئان په‌دشا ژ دورئ؟!<br>(ق. شیخوئه‌کر/۱) | که به من بگوید: درّ از پادشاه است یا پادشاه از درّ؟! |
| عاشق و عیرف و زاننا  | عاشق و عارفی دانا                                    |
| من یارهک دهقیت، قئ حهرفئ بدهت بهیانه                                 | من یاری می‌خواهم که در این باره حرف بزند             |

کا بیژنه من؛ دور تهخته و په دشی من  
 بیدا گرتی مه کانه؟!  
 (ق. شیخوبه کر/۳)

که به من بگوید: در تخت است و پادشاه من در  
 آن جای گرفته است

په دشی من دور ژ خو فافاره  
 دور قه ندیله که مالداره  
 قه ندیل و نور سستاره.  
 (ق. شیخوبه کر/۵)

پادشاه من در را از خود جدا نمود  
 در قندیلی غنی است  
 قندیل و نور ستاره.

در قول بعدی، به این نکته اشاره می‌شود که خداوند با «باور» خود نود و نه رنگ را به وجود آورد و با این باور، خود را در میان در ساکن کرد. در آن زمان نه زمینی وجود داشت و نه آسمانی و نه کوهی. در آن زمان، باور یکی از نام‌های خداوند بود. خداوند دارای سه هزار و سه نام است.

په دشا د ناف دوری ل خهوله بوو  
 نه عهرد هه بوو، نه عهزمنان بوو  
 نه چیا بوو، نه سکان بوو  
 باوری نافهک ژت خودا بوو.  
 په دشا د ناف دور بیدا بوو  
 ب گرانی (۳۰۰۳) سی هزار و سی ناف  
 ل خو دانسی  
 نافهک ژت باوری پی ئانی  
 خودت باوری چئی کر  
 نوت و نه ره ننگ پیرا فریکر  
 ب وئ باور پی خو ژ نافا دوری جهئی کر  
 (ق. علمي نادر/۱-۳)

پادشاه در داخل در خوابیده بود.  
 نه زمین بود و نه آسمان،  
 نه کوه بود و نه سکان.  
 باور، اسمی از اسامی خداوند بود.  
 پادشاه در داخل در بود.  
 به شدت سه هزار و سه اسم را بر خود گذاشته بود.  
 اسمی از آن‌ها به او ایمان آورد.  
 خداوند باور را خلق نمود.  
 نود و نه هزار رنگ را با آن به راه انداخت.  
 با آن باور خود را در داخل در جا کرد.

در قول بعدی، به چند عنصر اسطوره‌ای مانند قندیل، در، بحر و مرکب اشاره شده است. در این قول به این راز اشاره شده است که پادشاه به در چه چیزی گفت که از آن آب سرازیر شد و دریا به وجود آمد (نک: Joseph, 1919: 37) بعد از این که دریا به وجود آمد، خداوند با مرکب خود در میان به گشت و گذار پرداخت.

کو کنیات پی دبوو نافا  
 قه ندیل نه زلی بوو ژ بانا  
 په دشی من موحبهت دکره نافه  
 په دشی من پی هلینا بوو چافه

آنچه که کائنات با آن آباد می‌شد  
 قندیل از بالا نازل شد  
 پادشاه من محبت را در داخل آن جا داد.  
 پادشاه من به وسیله آن چشمش را بالا آورد.





آب در آفرینش کیهان و اساطیر و آیین‌ها و شمایل‌نگاری‌ها همواره یک نقش دارد: مقدم بر هر شکل و صورتی است و محمل و تکیه‌گاه هر آفرینشی» (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

پیشتر گفته آمد که بحر و در در متون دینی ایزدیان، اغلب با هم ذکر می‌شوند. به نظر می‌رسد در بعضی از قول‌ها، به وضوح مشخص می‌گردد که منظور از بحر همان شکم مادر است. در سبق زیر، قرآینی مانند نه ماه سکونت در بحر، مؤید این مطلب است.

به\_\_\_\_\_را حق وه تننسی بحر حق وطن توست  
 نه\_\_\_\_\_مه هاتئی سه کنی نه ماه در آن ساکن می‌شوی  
 ب قودره تا نیلاهی ده مه کنی. به قدرت الهی این کار ممکن می‌شود  
 ب قودره تی کتر ته مامه با قدرت آن را تمام کرد  
 چی به حره که تاریه، ب غه مامه چه بحر تاریکی است و پر از ابر  
 نیلاهیؤ! د بووم نیقسیری ته، نهز دبووم الهی! اسیر تو می‌شوم، من غلام تو می‌شوم.  
 غولامه. (ق. سه‌ره‌مرگئی/۶-۷)

در سبق‌های زیر از قول ایمانی، به این نکته اشاره شده است که «راز گرامی» (حسور)، در را از بحر بیرون آورد. سلطان یزید در را از بحر خارج کرد و به شیخ عدی داد و او نیز از آن تاج، حله و خرقه سیاه، نورانی و مقدس را آفرید.

غهواسا ژئی نیننا بوون دوره غواصی از آن در را آورده بود  
 هنجی که سئی ب په‌دشایی خورا هه‌فسوره آن‌زمان، یسار و یساور کرامت شیخ عادی  
 می‌شود  
 نهوی ژ به حرا دهر نانی بوو دوره. او بود که از بحر در را آورده بود  
 سلطان نییزی دور ژ به حرا دهرانین سلطان یزید در را از بحر بیرون آورد  
 شیخادی ل سه‌ر که فا ده‌ستئی خو دانین شیخ عدی آن را بر کف دست خود نهاد  
 ژئی چیکر: تانج و حله، خه‌رقئ ره‌شی نوورانی از در این‌ها را ساخت: تاج، حله، خرقه  
 سیاه نورانی  
 دبرن سه‌ر خورا دانین. آن را برد و بر سر خود قرار داد.

(ق. نیمانی/۱۵-۱۶)

در این قول، دوباره بر این نکته تأکید می‌شود که بحر از درّ به وجود آمده است:

په‌دش‌سا ده‌نـگ دکه‌ت ب زاره    پادشاه با دهانش حرف می‌زند  
دور مه‌وجی بـوو بهـره ...    درّ موجی زد و تبدیل به بحر شد ...

(ق. قهره فهران/۹)

در این قول، بحر، عظیم و عمیق توصیف شده است که دارای یک رکن و چهار اساس است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که منظور از چهار اساس، چهار دین ایزدی، یهودی، مسیحی و اسلام است؛ عده‌ای نیز آن را خاندان «ئادی» (عدی) می‌دانند (جندی ره‌شو، ۲۰۰۴ م: ۲۲۲).

چی به‌ره‌که خاسه    چه بحر خوبی است  
ئا کووره بی قیاسه    بی‌اندازه عمیق است  
رکنه‌که و چاره‌ساسه.    یک رکن است و چهار اساس.

(ق. به‌حرا/۵)

## ۲-۱-۳- خرقه

لباس، نشان‌دهنده «توان اقتصادی و نگرش سیاسی، قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی، باورهای مذهبی و فلسفی و پایبندی‌های رسمی» یک ملت یا فرقه دینی است (کاکس و ترنر، ۱۳۹۱: ۶). این نقش به‌وضوح در متون مقدس و سروده‌های دینی ایزدیان در قالب قداست «خرقه» نمود یافته است. ظنّ قریب به یقین آن است که این قداست، وامدار تأثیر اندیشه‌های صوفیانه شیخ عدی در باورهای این فرقه است.

در عرفان اسلامی در تعریف خرقه آورده‌اند:

«خرقه: جامه خلقان، جامه‌ای که صوفیان می‌پوشند. هجویری گوید: خرقه پوشیدن میان این طایفه معتاد است و اندر مجمع‌های بزرگ که مشایخ بزرگ حاضر باشند، این کار انجام دهند ... عزالدین محمود کاشانی گوید: خرقه بر دو نوع است: خرقه ارادت و خرقه تبرک. خرقه افشاندن: خرقه انداختن. / خرقه افکندن: علامت تسلیم و قبول ترک ریب و ریا است. / خرقه‌باز: با خرقه رقص و پایکوبی کردن. / خرقه تهی کردن: مردن را صوفیان به این عبارت تعبیر می‌کنند. / خرقه دریدن:

علامت وجد و حال است. / خرقه دور انداختن: بدان معنی است که صوفیان چون چیزی را کشف کنند و از عالم غیب خبری گیرند، خرقه اندازند» (سجادی، ۱۳۸۳: ذیل «خرقه»). در مصحف رش به نقش خرقه در امر آفرینش اشاره شده است. «خداوند هفت بهشت، زمین، خورشید و ماه را آفرید، اما فخرالدین انسان و حیوانات و نیز پرندگان و وحوش را خلق کرد. او همه این‌ها را در جیب خرقه قرار داد و همراه دیگر ملائک از در بیرون آمد» (Joseph, 1919: 37). در اقوال ایزدی، خرقه شیئی مقدس است و خلق آن در روز ازل و به دست شیخ عدی بوده، البته سلطان یزید، او را در این امر یاری داده است. در این سبق آمده است که شیخ عدی، تاج، حله و خرقه را از در خلق می‌کند.

سلطان یزیدی دور ژ به‌حرا ده‌رانین سلطان یزید دراز از بحر درآورد  
 شیخادی ل سهر که‌فا ده‌ستئ خو دانین شیخ عدی آن را بر سر کف دست خود  
 قرار داد  
 ژئ چیکر: تانج و حله، خرقئ ره‌شی نوورانی از در این‌ها را ساخت: تاج، حله، خرقه  
 سیاه نورانی  
 دبرن سهر خورا دانین. آن را برد و بر سر خود قرار داد.

(ق. نیمانی/۱۶)

در سبق‌های زیر از قول ایمانی، به اهمیت خرقه در نزد ایزدیان اشاره شده است. پادشاه خود خرقه را خلق کرده است. در ادامه، این نکته ذکر شده که خرقه، لباس شیخ عدی و یزید است و فقیر، خرقه و تاج را از وی به یادگار دارد.

په‌دشایی من ئه‌رکان کوری ژوره پادشاه من ارکان را در بالا به وجود آورد  
 خرقه کوری موره خرقه را مهر کرد  
 ده‌ره‌جا خرقه‌ا ل ژوره. قدر و منزلت خرقه بسیار زیاد است.

(ق. نیمانی/۱۷)

شیخادی وی ب ئه‌رکانه شیخ عدی که صاحب ارکان است  
 کوری ل ژوره، خرقه ئانی، کوری موره در بالا آن را انجام داد، خرقه را آورد، آن را مهر کرد.

خرقه لباسی سلطان یزیدی منی سوّره. خرقه لباس سلطان ایزد من است که با هم از یک سریم سلطان یزید من خرقه را پوشید تاجه‌کی ره‌شی قودره‌تی نورانی ل سهر کر تاج سیاه قدرت نورانی را بر سر کرد فقیه‌را ل پیی سه‌ه‌ه‌ر کـر. فقیر را با آن سفر کرد. (ق. نیمانی/۱۸-۱۹)

در این سبق، این نکته آمده که خرقه از درّ به وجود آمده است. به وسیله خرقه، شرق تا غرب را زینت دادند و شیخ عدی خرقه را به شیخ ابوبکر داده است و او پیر و مرشد فرقه است.

کو ژ دورئ ده‌رکه‌فتی خرقه آنجا که از درّ، خرقه بیرون آمد پی زه‌یناندی شامه‌ه‌تا شه‌رقه با آن شام تا شرق را زینت داد شیخ‌ادی ده‌نگ ل شیخوبه‌کر کر، شیخ عدی، شیخ ابوبکر را صدا زد، گفت: هان، گوّت: هـلـ، خرقه‌ی ل به‌رکه! خرقه را بپوش! (ق. شدیخوبه‌کر/۷)

در این سبق، برای اولین بار، حقیقت چگونگی پیدایش درّ ذکر می‌شود؛ درّ از کلام «پادشاه» و خرقه نیز از درّ به وجود آمده است. به همین سبب، دائماً درود و سلام میر بر خرقه و خرقه‌پوشان می‌رسد.

دور ژ که‌لیم‌ا‌په‌دش‌ییّه درّ از کلمه پادشاه است خرقه ده‌رکه‌فتی ژییّه خرقه از آن ظاهر شد دایم می‌را سه‌لاقیه لییّه. دائماً میر بر آن سلام و درود می‌فرستد. (ق. شدیخوبه‌کر شاخی ۲، ۶/)

در این سبق، به‌صراحت نقش یزید در اعتقادات ایزدیان بیان می‌شود؛ هرچند عده‌ای منکر این قضیه باشند، اما همگان بدانند که سلطان یزید پیر خرقه من است. این اعتقاد من و چندین مرید است.

پیرئ خرقی من سلطان یزیده پیر خرقه من سلطان یزید است معنی یه‌که به‌عی‌ده معنی بعیدی است نانقاتا من و چه‌ندی مریده. اعتقاد من و چندین مرید است. (ق. قهره‌ه‌رقان/۲۲)

## ۲-۱-۴- مرکب

«مرکب [م ک] [ع ا] برنشستنی از ستور (منتهی الارب). اسب. آنچه بر آن سوار شوند از قسم مواشی، اکثر به معنی اسب مستعمل است (از غیاث) (آندراج). اسب بارگی. باره. برنشستی. برنشست. برنشستنی. بارگیر. سواری. ولید. ج: مراکب» (دهخدا، ذیل «مرکب»). در اساطیر، برخی از ایزدان، سوار بر مرکب خویش به سیر و سیاحت می‌پردازند. در اکثر موارد، آسمان مکان حرکت و جولان آنهاست.

در مصحف رش درباره سوار شدن پروردگار بر مرکب خویش آمده است: «سپس او جبرائیل را به شکل پرنده‌ای بیافرید و او را به چهار گوشه فرستاد. همچنین مرکبی ساخت و سی هزار سال در آن فرود آمد. بعد از این، در کوه لالش مستقر شد» (Joseph, 1919: 37). اصطلاح مرکب در اقوال ایزدیان تکرار شده و وسیله‌ای برای جلوس پروردگار و یارانش در آن شده است.

در سبق‌های زیر، مرکب وسیله‌ای بوده است که خداوند و چهار یارش، سوار بر آن در بحر به گردش پرداخته‌اند و جهان خلقت را آفریده و کامل کرده‌اند و مطابق آنچه پیشتر از مصحف رش نقل گردید، پروردگار در لالش ساکن می‌شود.

|       |   |   |
|-------|---|---|
| _____ | ث_____ اف ژ دوری وه ریب   | آب از در بیرون ریخت                               |
| _____ | ب_____ وو به به ح ر و په نگیا   | تبدیل به بحری شد و گسترش یافت                     |
| _____ | په دشئی من مه رکب به ست و ناف دا د<br>گه ریب_____ا.                   | پادشاه من سوار مرکب شد و در داخل آن<br>گردش نمود. |
| _____ | په دشایه و هر چار یاره  | پادشاه و چهار یارش                                |
| _____ | ل مه رکب ب_____ئی دب_____وون س_____واره                               | سوار مرکب شده بودند                               |
| _____ | س_____هیری ب_____وون چار کناره  | چهار طرف را سیر نمودند                            |
| _____ | ل لالشی سه کنین، گوتن نه‌قه حه ق واره!<br>(ق. زوبوونی مه کسوور/۲۱-۲۲) | در لالش ساکن شدند، گفتند اینجا شایسته<br>حق است!  |

## ۲-۱-۵- گاو و ماهی

گاو و ماهی، در بسیاری از اساطیر ملل تقدیس شده و یا در اجرای مناسک و آیین‌های دینی شان اهمیت ویژه یافته‌اند. ازدها، مار، صدف، دلفین، ماهی و غیره نشانه‌های آب‌اند که در اقیانوس‌ها، دریاها

و دریاچه‌ها پنهان‌اند و انباشته از نیروی قدسی اعماق؛ و این چنین موجب بارندگی می‌شوند و بنابراین باروری جهان در ید قدرت آن‌هاست (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۵). در اساطیر هندی، ماهی تجلی اول ویشنو تلقی گردیده است که حیات را از نابودی می‌رهاند (دادور و منصور، ۱۳۹۰: ۱۹۵). در اساطیر ایرانی، در نبرد میان دو نیروی هرمزدی و اهریمنی، وزغ به سان باشنده‌ای زیانکار بر ماهی می‌شورد (بهار، ۱۳۸۶: ۹۵).

در مذاهب هندوی مدیترانه، خدایان آسمان به نوعی با ورزه‌گاو یکی و یگانه شده‌اند. مثلاً در ریگ ودا، دیائوس را «گاو نر» نامیده‌اند (الیاده، ۱۳۸۹: ۸۸). فرآیند تکامل خدایان آسمانی پیچیده است. به صورت کلی، این خدایان را به دو دسته اصلی تقسیم کرده‌اند: ۱. خدای آسمان، سرور جهان، شاه مطلق العنان، نگاهبان قوانین؛ ۲. خدای آسمان، آفریدگار، نرینه علی‌الاطلاق، همسر الهه بزرگ زمین، بخشنده باران. البته هیچ‌گاه یکی از این دو نمونه را به صورت خالص و ناب نمی‌بینیم؛ بلکه این خصایص مدام یکدیگر را قطع می‌کنند. شاه در عین حال بخشنده باران نیز هست و بارورکننده همزمان. شاخص‌ترین چهره‌های دسته نخست، تیان T'ien، وارونا و اهورامزدا هستند (همان: ۹۳-۹۴).

رده دوم، یعنی طبقه بارورکنندگان، از لحاظ سیماشناسی غنی‌ترند و در نزد همه چهره‌های این رده، این عناصر ثابت‌اند: وصلت مینوی با الهه زمین، رعد و توفان و باران، و مناسبات آیینی با ورزه‌گاو. مشهورترین خدایان رده دوم عبارت‌اند از: ژئوس، مین و خدای هیتیان، ایندرا، رودرا، بعل، ژویتر، حداد، ثور، دولیکونوس و به طور خلاصه، همه خدایان نامور به خدایان توفان. عوامل یک‌پارچگی ایزدان بارورکننده عبارت‌اند از: قدرت زایاندن و آفرینندگی (به اعتبار پیوندشان با ورزه‌گاو؛ چون زمین غالباً به شکل ماده گاو تصویر می‌شود)، رعد و باران. به طور خلاصه، تجلیات قدسی قدرت و تندی و صلابت، منابع ضرور نیرویی هستند که باروری حیات جهان را تأمین می‌کنند (همان: ۹۴).

در آیین ایزدی، هر سال در عید اصلی‌شان که تقریباً مصادف با مهرگان است، «گاو را رها می‌کنند که برود، دنبالش می‌کنند یک فرسخ، دو فرسخ، می‌گیرند گاو را می‌آورند دم معبد سرش را می‌برند ... عیناً در دین یزیدی‌های کردستان، آیین گاوکشی باقی مانده است» (بهار، ۱۳۹۰: ۳۰۲).

گاو و ماهی و نقش این دو در خلقت دنیا، از مسایلی است که در قول‌های دینی به آن اشاره شده است. در سبق‌های زیر از قول هزار و یک نام، این پرسش مطرح شده است که گاو در مقام بالاتری است یا ماهی؟ در پاسخ آمده است که ماهی هفت برابر بزرگ‌تر از گاو است. ماهی دارای هفتاد و دو پر است که با قدرت الهی، گاو بر روی یکی از آن پرها قرار گرفته است.

په‌دششئ مــــن بیــــریه پادشاه من آرزومند است

خــــوژئ مــــن بــــزانیه: ای کاش می‌دانستم:

کائی، گای مه‌زنتره، ئانی ماسیه؟ کدام‌یک، گاو بزرگ‌تر است یا ماهی؟

شــــروؤتیا مــــن ژ وئــــیه شروط من از این است

ته‌فتیشــــا مه ژ وئ جه‌واییــــه من به دنبال این جواب می‌گردم

ماسی هفت جارا مه‌زتره ژ گبیه. ماهی هفت مرتبه از گاو بزرگ‌تر است.

ب قودره تــــا ئیکــــی ئه کــــبیره به قدرت کسی که اکبر است

ماسی هفتــــی و دوو پیره ماهی هفتاد و دو بال دارد

پیره؛ زئ که مــــبیره یک بال، از آن کوچک‌تر است

وی پیری گــــای ل ســــه‌ره. که بر روی آن بال، گاو قرار دارد  
(ق. هزار و نیک ناف/۶-۴)

در این سبق آمده است که بحر در زیر گاو است و کرسی پادشاه در زیر آن قرار دارد. و شیخ فخر عدی بر آن نشسته است.

به حــــرا ژئــــری گبیه بحر در زیر گاو قرار دارد

کورســــیا په‌دششــــای و لئیه کرسی پادشاه در آنجاست

شــــیخ فه‌خــــرئ ئادیا ل هه‌موو عه‌ردا و رتیا. شیخ فخر عدی در سراسر زمین و راه‌هاست.  
(ق. گا و ماسی/۱۵)

در قول «جومجوم سلطان» می‌توان نقش گاو را پر رنگ دید. در این قول به این نکته اشاره می‌شود که انسان‌ها مدتی را به پرستش گاو پرداخته‌اند. گاو این قدرت را دارد که تمام دنیا را بگردد و به درگاه بهشت برود و ملک درگاه بهشت را مؤاخذه و از او پرسش کند.

سهر دبئــــئئ: یا نه‌بی عیسا سر می‌گوید: یا عیسی نبی



|   |  |
|---|--|
| ب وی کهم یــــئ عهرد و عهز مــــان<br>بیراســــت                | تو را قسم به کسی که این زمین و آسمان را<br>آراست |
| ئۆلای من گای بوو، من ده په راست،<br>(ق. جومجومی سلطان/۳۱)       | اولاد من گاو بود، من را می پرستید.               |
| گای وئ دچینه ب قودره تا نیلاهییه                                | گاو با قدرت الهی می رود                          |
| چار قوورنه تی دنیایی گهرییی                                     | چهار گوشه دنیا را می گردد                        |
| ل ده ری به هشتی گه هشتیه.                                       | به دروازه بهشت می رسد.                           |
| گای ژ مهله کئ به هشتی د پرسیه                                   | گاو از ملک بهشت می پرسد                          |
| تــــو ب وی کهی نیلاهییه  | تو را قسم به ذات الهی                            |
| بــــو مــــن بیــــژه راســــتیه                               | حقیقت را به من بگو                               |
| ئــــئ به ری ســــئ رۆزا هاتی کیه؟!<br>(ق. جومجومی سلطان/۳۱-۳۲) | چه کسی است که سه روز پیش اینجا آمده است؟!؟       |

### ۳- نتیجه گیری

با دقت در عناصر اسطوره‌ای در متون مقدس و سروده‌های دینی ایزدیان که درباره آفرینش ثبت شده است، مشخص می‌گردد که اکثریت این عناصر به مبحث زمین، زنانگی و زاینده‌گی اشاره دارند. عنصر مقدس «گاو» که در کتب مقدس ایزدیان از آن اسمی به میان نیامده، نمادی از خدایان آسمان است. «خرقه» هر چند در متون ایزدی مجلای قداست است، اما از آنجا که نقش آفرینندگی ندارد، و با توجه محتوای متون، نشان‌دهنده تأثیر عناصر صوفیه و عرفان اسلامی است. «مرکب» نیز از آن خدای آسمان است. در اساطیر ایزدی، در عنصر اصلی آفرینش است و همه عناصر مقدس دیگر و نیز کل جهان هستی از آن به وجود می‌آید. در، واجد خواص زایایی و زاینده‌گی و نشانه ماه و آب است. از این رو، همیشه در متون دینی، بحر و دریا با هم می‌آیند. در اساطیر ریشه و بن، آب رمز جوهر آغازین و مقدم بر هر شکل و صورتی است. «آب» همواره در آیین‌های رازورانه، عنصر اصلی و مرتبط با باورهایی مانند غسل تعمید و باززایی است. از این رو، تأکید بسیار بر عنصر آب در اسطوره آفرینش، با باورهایی چون تناسخ، رازآموزی و توفان در آیین ایزدی مرتبط است. عنصر گاو و کشتن آن در عید اصلی ایزدیان، با ازدواج مقدس و اسطوره آغازین در ارتباط است و این گونه، کارکرد آن با مبحث زمین و زنانگی ارتباط می‌یابد. «ماهی» نشانه آب و انباشته از نیروی قدسی و موجب بارندگی

و باروری جهان است. سروده‌های مرتبط با اسطوره آفرینش در آیین ایزدی، در هر نوع زایشی خوانده می‌شوند؛ در تولد نوزادان، در جشن سر سال، در عید جماعیه و ... تا هر نوع زایش و آفرینش جدیدی، بر اساس سرمشق اولیّه، به صورت قدسی به وقوع پیوندد.

#### یادداشت‌ها

۱. Parin Ži adabe Dīne Īzadiyān: «برگ‌هایی از ادبیات دینی ایزدیان».
۲. Raš: «سیاه». مصحف سیاه. این کتاب به این علت مصحف سیاه نامیده می‌شود که در آن آمده است که پروردگار بر کوهی سیاه ظهور می‌کند.
۳. قسمتی از سروده‌های دینی ایزدیان که در هنگام گرداندن تمثال طاووس، و یا در جشن جماعیه، با دف و موسیقی و همراه با سماع و رقص خوانده می‌شود.
۴. ره‌شو از علمای دینی ایزیان نقل می‌کند که این واژه‌ها به معنی «پشت پرده» و «پنهانی» است و به سروده‌هایی گفته می‌شود که از نظر محتوا بسیار به هم نزدیک‌اند و هم رامشگران و هم علمداران و هم قوالان آن را می‌خوانند.
۵. در ادبیات دینی ایزدیان، به هر کدام از بندهایی که یک قول را تشکیل می‌دهند، یک «سبق» گفته می‌شود.

#### کتابنامه

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۸). «اهریمن‌پرستی زروانی و نمونه‌های بازمانده آن». *مجله مطالعات ایرانی*. س ۸، ش ۱۶. صص ۸۹-۱۱۱.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۹). *درآمدی بر اهریمن‌شناسی ایرانی*. تهران: ترفند.
- التونجی، محمد (۱۳۸۰). *یزیدیان یا شیطان پرستان*. تهران: عطایی.
- الحسنی، السید عبدالرزاق. (۱۳۲۶ ق.). «کتب المقدسه الیزیدیه». *العرفان*. ش ۳۴۳. صص ۳۴۲-۳۴۶.
- الدملوجی، صدیق. (۱۹۴۹ م.). *تاریخ الیزیدیه*. بغداد: بمساعده المجمع العلمی العراقی.
- لیاده، میرچا. (۱۳۸۶). *چشم انداز اسطوره*. ترجمه جلال ستاری. چاپ دوم. تهران: توس.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: سروش.
- باعه‌دری، خهلات الیاس. (۲۰۰۸ م.). *میتولوجیا د تیکستن ئولا تیزدیان*. دهوک: سپیریز. بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). پژوهشی در اساطیر ایران؛ پاره نخست و دویم. ج. ششم. تهران: آگه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *از اسطوره تا تاریخ*. چاپ هفتم. تهران: چشمه.
- تیمور، احمد. (۱۳۳۴ ق.). «الیزیدیه و بحث فی منشأ معتقدهم». *المقتطف*. المجلد الثامن و الاربعون. الجزء ۱.
- دماوندی، مجتبی و رحمان‌زاده، سامان. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی دو آیین میترای و ایزدی». *فطالنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۱۰، ش ۳۶. صص ۱۱۷-۱۴۲.
- دوبوکور، مونیک. (۱۳۹۱). *رمزهای زنده جان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: مرکز.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲). *لغت‌نامه فارسی*. تصحیح دکتر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- ره‌شو، خلیل جندی. (۲۰۰۴ م.). *په‌رن ژئه‌ده‌بئ تیزه‌دیان*. به‌رگی تیکئی. دهوک: سپیریز.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. چاپ هفتم. تهران: طهوری.
- شهمردان، رشید. (بی‌تا). *آثار مهرپرستی در دین ایزدی و پرستش شیدان نه شیطان*. بی‌نا.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۱). «مقایسه اقوال ایزدی با کلامات یارسان در پرتو برخی سروده‌های ایرانی غربی». *ادب پژوهی*. دوره ۶. ش ۲۰. صص ۵۳-۷۴.
- العزازی، عباس. (۱۳۱۰ ق.). «اصل الیزیدیه و تاریخهم». *لغة العرب*. ش ۹۳. صص ۴۲۹-۴۴۱.
- غضبان، جعفر. (۱۳۴۱). *یزیدی‌ها و شیطان‌پرستان*. تهران: عطایی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *شاهنامه*. بر پایه چاپ مسکو. چاپ چهارم. تهران: هرمس.
- کاکس، ویل؛ ترنر، روت. (۱۳۹۱). *تاریخ لباس*. ترجمه شیرین بزرگمهر. چاپ چهارم. تهران: توس.
- که‌رمه‌لی، نه‌نستانس (۲۰۰۶ م.). *کتیبی تیزیدیه‌کان (جیلوه و مه‌سحه‌فا ره‌ش) و بیلبوگرافای تیزدیاتی*. وه‌رگی نه‌جاتی عه‌دوللا. سلیمان‌ی: بنکه‌ی ژین.
- کریمی، علی اشرف. (۱۳۸۷). *دین ایزدی و مقایسه آن با دین زرتشتی کهن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- محمدی سراب، امیر. (۱۳۸۸). «بررسی تاریخ، عقاید و آیین‌های ایزدیان و مقایسه آن با ادیان و مذاهب دیگر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. (۱۳۸۶). *مثنوی معنوی؛ بر اساس نسخه قونیه و مقابله با تصحیح نیکلسون*. تصحیح قوام‌الدین خرّم‌شاهی. چاپ نهم. تهران: دوستان.

وهبی، توفیق. (۱۳۶۱). *بررسی مختصری از تاریخ ادیان کردان*. ترجمه جمال‌الدین حسینی. مهاباد: سیدیان.

هورمی، حسو. (۲۰۰۸ م.). *تیزدیاتی د ۱۰۰ پرسان‌دا*. هه‌ولیز: چاپخانه‌ی حاجی هاشم.

یوسفی، عثمان. (۱۳۹۱). *تاریخ و حیات اجتماعی - فرهنگی کردهای ایزدی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «*کردهای ایزدی (پژوهشی در وجه تسمیه و ریشه نژادی)*». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. ش ۱. صص ۱۵۳-۱۷۲.

Drower, E. S. (1941). *Peacock Angel; being some account of votaries of a secret cult and their sanctuaries*. London: J. Murray.

Empson, R. H. W. (1928). *The Cult of the Peacock Angel*. London: High Holborn.

Guest, John S. (1993). *Survival Among the Kurds*. London: Routledge.

Joseph, Isya. (1919). *Devil Worship (the scared books and traditions of the yezidiz)*. Boston: the Gorham Press.

Kreyenbroek, Philip G. (1995). *Yezidism-Its Background, Observances and Textual Tradition*. New York: Edwin Mellen Pr.

\_\_\_\_\_. (2005). *God and Sheikh Adi are Perfect. Sacred Poems and Religious Narratives from the Yezidi Tradition*. Wiesbaden: Harrassowitz.

\_\_\_\_\_. (2009). *Yezidism in Europe*. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.